

یهودی‌سازی در سیستم آموزشی مدارس فلسطین اشغالی

حسن اسماعیل زاده^{۱*}، مجتبی رحماندوست^۲، مختار مجاهد^۳

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران، پردیس فارابی

۳. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۹

چکیده

رژیم صهیونیستی برای عادی‌سازی حضور خلق‌الساعه خود در اذهان مردم منطقه و به‌ویژه ساکنان اصلی سرزمین فلسطین، سعی در یهودی‌سازی نمادها و ماهیت آثار فلسطینی و عربی دارد و برای گنجاندن نرم سیاست‌های خود در ذهن نسل نو این سرزمین زیرکانه‌ترین شیوه یعنی نفوذ در سیستم آموزشی را در کنار سیاست ایجاد رعب و وحشت در پیش گرفته‌است. از این رو ضمن تحریف و تغییر محتوای کتاب‌های درسی، بنای اصلی را در تألیف این کتاب‌ها، بر یهودی‌سازی نسل‌های نو و وارونه جلوه‌دادن حقایق و واقعیت‌های ملت فلسطین گذاشته‌است. در این پژوهش می‌کوشیم روش‌های تحقق این برنامه و نحوه اجرای آن را بررسی و تحلیل نماییم. به همین منظور با مراجعه به کتب درسی تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، ادبی و دینی مدارس فلسطین اشغالی و تحلیل و نقد بخشی از محتوای آنها، از دسیسه‌های طراحان این کتاب‌ها و حامیان آنها پرده گشوده‌ایم. در نتیجه مشخص شد که یهودی‌سازی کودکان فلسطینی، تغییر ذهنیت آنان در رابطه با ماهیت نمادهای اسلامی - عربی فلسطین، تطهیر چهره صهیونیست‌ها و معرفی تعالیم اسلامی به عنوان عامل عقب‌ماندگی، در ذهن دانش‌آموزان فلسطینی، از مهم‌ترین اهداف این نقشه است.

کلیدواژه‌ها: یهودی‌سازی؛ متون آموزشی؛ فلسطین اشغالی؛ رژیم صهیونیستی.

مقدمه

صهیونیست‌ها برای تحقق اهداف خود شگردهای مختلفی را در طول تاریخ به کار گرفته‌اند و پژوهش‌های مختلفی در سراسر جهان و به‌ویژه در جهان اسلام، پرده از این نقشه‌ها برداشته‌اند اما نفوذ در کتب درسی دانش‌آموزان عرب فلسطینی در مدارس تحت سلطه اسرائیلی‌ها و در سرزمین‌های اشغالی، موضوع مهمی است که جنبه آگاهی‌بخشی آن می‌تواند ذهن خوانندگان و به‌ویژه قشر جوان را نسبت به این ترفند، آگاه و هوشیار کند و این امر، اهمیت پژوهش در این زمینه را برای ما روشن‌تر می‌کند. امروزه کمتر قومی را می‌توان یافت که در تاریخ حیاتش از جراحت و آسیب‌های زهرآلود قوم یهود در امان مانده باشد. این قوم به خاطر خودبرتربینی در هیچ گوشه‌ای از جهان حاضر به زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران نیستند و در هر نقطه‌ای به هم پیوندند به فتنه‌گری روی می‌آورند و در شرایط مناسب شورش می‌کنند (صلواتی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۳).

در این پژوهش با توجه به اهمیت موضوع و ضرورت آشنایی مخاطبان فارسی‌زبان با تکاپو و دست‌وپازدن‌های رژیم صهیونیستی برای تثبیت حضور فیزیکی خود در منطقه، می‌کوشیم تا شیوه‌های اجرای برنامه‌های مدون صهیونیست‌ها را به منظور تغییر نگرش و باور مردم به‌ویژه نوجوانان و جوانان در سطح مدارس فلسطین اشغالی تبیین کنیم که قبل از وارد شدن به موضوع به نظر می‌رسد با پرسش‌های زیر مواجه‌ایم:

۱. تئوریسین‌های صهیونیست چه اهدافی را در اجرای این طرح‌های بلندمدت دنبال می‌کنند؟

۲. شگردهای طراحان این نقشه‌ها و شیوه اجرای آنها چگونه است؟

۱. پیشینه تحقیق

در زمینه موضوع تحقیق پیش‌رو و موضوعات نزدیک به آن، کتاب‌ها و مقالات متفاوتی نوشته شده‌اند که هر کدام از زاویه خاصی به موضوع پرداخته‌اند. برخی از آنها عبارتند از: کتابی با عنوان *نیرنگ‌سازی صهیونیسم اثر مهدی رضوی* است که به بخشی از نیرنگ‌های این رژیم پرداخته است. مقاله دیگری با عنوان «اسلام‌ستیزی در کتب درسی چند کشور غیراسلامی» به وسیله حسن عبادی در مجله فرهنگ کوثر به چاپ رسیده است که در ضمن بررسی موضوع در برخی از کشورهای غیراسلامی به نحوه آموزش ضداسلامی در فلسطین اشغالی نیز

پرداخته‌است. حنا مسعد نیز کتابی با عنوان **همجیة التعالیم الصهیونیة** در بیروت به چاپ رسانده و در آن به افسارگسیختگی تعالیم و مفاهیم متناسب با اهداف صهیونیست‌ها پرداخته‌است. ماجد کیلانی در کتاب **ارزشمند التعلیم و مستقبل المجتمعات الاسلامیة فی التخطيط الاسرائیلی** به سیستم آموزشی مدارس تحت سیطره رژیم صهیونیستی پرداخته‌است. اثر دیگری در این زمینه کتاب **اتجاهات الفكر التربوی المعاصر فی اسرائیل، التحديات و سبل المواجهة** است که محمد فوزی عبدالمقصود در آن به شگردهای صهیونیست‌ها در سیستم آموزشی فلسطین اشغالی پرداخته‌است. محمود میعاری نیز در سال ۲۰۱۴ در کتابی با عنوان **مناهج التعلیم العربی فی اسرائیل** به تهاجم آموزشی رژیم صهیونیستی پرداخته‌است.

در این پژوهش کوشیدیم با نگاهی دقیق و مصداقی اهداف این رژیم را در کتاب‌های تاریخ، جغرافیا، ادبیات، تعلیمات اجتماعی و دینی مدارس فلسطینی و چگونگی پروژه یهودی‌سازی دانش‌آموزان فلسطینی را تبیین نماییم که در انتها روشن شد که این برنامه‌های پیدا و پنهان صهیونیست‌ها چگونه می‌تواند تأثیرات شوم و جبران‌ناپذیری در روحیه و انگیزه فراگیران فلسطینی به عنوان مردان و زنان آینده جبهه مقاومت اسلامی، بر جای بگذارد.

۲. سیاست انکار و خودبرتربینی

رژیم صهیونیستی که با صراحت وجود قومیتی به نام عرب و ملیتی به نام فلسطینی را در سرزمین مادری خودشان انکار می‌کند، قطعاً از هیچ ترفندی برای متلاشی‌کردن ملت فلسطین دریغ نخواهد کرد. یکی از شخصیت‌های این رژیم در اظهارنظری وقیحانه مدعی می‌شود و می‌گوید خلق فلسطین وجود ندارد؛ این‌طور نیست که ما آمده باشیم و آنها را پشت در گذاشته باشیم و زمین‌هایشان را بگیریم؛ ایشان وجود ندارند (گارودی، ۱۳۷۷: ۱۸۷). آنان بر اساس تعالیم خود اعتقاد دارند که خداوند فقط دین یهود را نازل کرده‌است. از این‌رو علمایشان بر اساس تعالیم تحریف‌یافته خود به فرزندانشان می‌آموزند که هر کس از دین تو نباشد، هر

کاری که دوست داشتی می‌توانی با او و اموالش انجام دهی (مسعد، ۱۹۸۳: ۱۳۵). آنان برای توجیه جنایت‌های خود حتی در حوزه مطالعات شرق‌شناسی نیز حضوری پررنگ داشته‌اند و تلاش کرده‌اند بر تفکر اسلامی، مطالعات حوزه تمدنی اسلام و عرب، تألیف، تحقیق و چاپ گسترده نسخ خطی و مطالعات قرآنی و سیره نبوی برای اهداف خاص خود از جمله تفرقه‌افکنی احاطه و تسلط داشته باشند (الزینی، ۲۰۱۱: ۲۸۰).

سیستم آموزشی در هر سرزمین و کشوری از موثق‌ترین منابع روشن‌کننده اهداف و طرح‌های بلندمدت آن است؛ هرچند این طرح و برنامه‌ها در عرصه‌های متغیر سیاسی پنهان می‌ماند، اما در سیستم آموزشی به‌خوبی خود را نشان می‌دهد. صهیونیست‌ها با این برنامه خود قصد دارند آینده‌ای را برای ملت فلسطین و تمدن اسلامی ترسیم کنند که متناسب و همسو با اهداف و برنامه‌های خود باشد که قطعاً نتیجه چنین اقدامی، ایجاد گرایش‌ها و عقاید متفاوت و احزاب گوناگون و درنهایت تفرقه‌افکنی در جامعه اسلامی است. آنان برای پیشبرد اهداف خود همیشه از مدارس مایه گذاشته‌اند؛ در جریان سند قیمومیت بر فلسطین، آژانس یهود در سال ۱۹۲۱ پیشنهاد و تأسیس شد. این آژانس در آغاز جنگ جهانی دوم، با توجه به سربازگیری تعداد زیادی از یهودی‌های فلسطین در ارتش انگلیس و کمبود نیروی کار و کارگران یهودی، دانش‌آموزان مدارس را در هنگام تعطیلات مدارس به کار می‌گرفتند. (سلیم، ۱۳۸۶: ۴۲۴).

تسیپی لیونی وزیر خارجه اسرائیل در سال ۲۰۰۷ م در فراهمایی (اجلاس) دموکراسی و توسعه در دوحه قطر، خواستار تغییر اسلوب و شیوه‌های آموزش عربی شد و گفت: «اسرائیل درصدد است تا برنامه‌های آموزشی عربی را برای یکپارچه کردن نظام آموزشی در منطقه تغییر دهد» (ابومساعد، ۲۰۱۱: ۱). طبق آیین‌نامه‌های آموزشی، آموزش دانش‌آموزان فلسطینی یک مسئولیت مشترک بین دولت اسرائیل و حکومت خودگردان فلسطین قلمداد می‌شود، اما اختیارات حکومت خودگردان فقط در حد مراقبت‌ها و نگهداری فیزیکی ساختمان‌ها، وسایل و تجهیزات آموزشی خلاصه می‌گردد و تمام امور مربوط به شیوه‌های تدریس و مواد درسی، تحت نظارت دقیق وزارت آموزش و فرهنگ اسرائیل است (عبدالمقصود، ۲۰۰۳: ۲۱۲). صهیونیست‌ها در احاطه خود بر سیستم آموزشی دانش‌آموزان

فلسطینی و مواد درسی آنان اهداف گوناگونی دارند که در این بخش به نقل از ماجد کیلانی به تعدادی از آنها پرداخته می‌شود:

اولین اقدام آنان از بین بردن عقاید اسلامی در نزد دانش‌آموزان و ارائه تصویری زشت از اسلام است که به چندین روش انجام می‌شود:

۳. شبهه‌برانگیزی نسبت به باورهای اسلامی

۳-۱. تحریف آیات و مباحث قرآنی

این طرح از طریق واردکردن مطالب کذب و ساختگی در قضایای تاریخی انجام می‌شود. در بخشی از کتاب تاریخ سال دهم، این مطلب قابل تأمل و اختلاف‌برانگیز را آورده‌اند: «در سال ۶۵۳ میلادی مهم‌ترین اختلافات در زمینه قرائت‌های قرآن ایجاد شد و در جریان غزوه ارمستان در سال ۶۲۰ م، بین سپاهیان شام و سپاهیان عراق این اختلاف شدت گرفت که بعدها همین اختلاف منجر به درگیری‌هایی بین ساکنان این دو منطقه شد (فلاح، بی‌تا: ۴۳). در لابه‌لای متون کتاب‌های درسی از آیات قرآنی استفاده می‌شود اما آیات را به صورت کاملاً مغرضانه یا کم و یا زیادتر از متن آن ذکر می‌کنند. در بخشی از یک کتاب ادبی آیه‌ای از قرآن را آورده که به این ترتیب است: «هل جعل الارض ذلولاً»؛ درحالی‌که اصل آیه به این ترتیب است: «هو الذی جعل لکم الارض ذلولاً» (ملک/۱۵)، (مزیفیث، ۱۹۶۷: ۲۶۰) و در کتاب «قرائت عربی» آیه دیگری را به این ترتیب آورده‌اند: «کل عام و انتم بخیر و فدیناه بذبح عظیم صدق الله العظیم» که فقط عبارت «و فدیناه بذبح عظیم» (صافات/۱۰۷) آیه قرآن است (قاسم، بی‌تا: ۸۰) و آیه‌ای دیگر درباره ازدواج با زنان را به این ترتیب آورده‌اند: «فانکحوا من النساء ما شئتم مثنی و ثلاث و رباع»؛ درحالی‌که اصل آیه این‌گونه است: «فانکحوا ما طاب لکم من النساء ما شئتم مثنی و ثلاث و رباع» (نساء/۳)، (دانیال، بی‌تا: ۶۴). به‌طورکلی آیات قرآنی را که دال بر جهاد،

مقاومت، شهادت، و مسجدالاقصی هستند از کتاب‌های درسی دانش‌آموزان حذف کرده‌اند (السمان، ۲۰۱۲: ۱۶).

خارج کردن جهاد از دایره تعلیمات اسلامی و نسبت دادن آن به شرایط اختلافات و فتنه‌ها و گروه‌های درگیر با هم یکی دیگر از این ترفندهاست؛ جهاد که به معنای جنگ علیه کفار و مشرکین است، خوارج آن را به عنوان رکن ششم اسلام مطرح کردند اما اسلام واقعی فقط پنج رکن دارد و این رکن اخیر را نمی‌پذیرد (فلاح، بی‌تا: ۵۵).

۲-۳. ایجاد شبهه در مورد رسول الله (ص)

آنان با ایجاد این نوع تردیدها قصد دارند نوعی بی‌اعتمادی به همه آثار نوشته‌شده درباره سیره آن حضرت ایجاد کنند؛ در بخشی از این کتاب آمده است:

هیچ نشان و اثر آشکار و مورد اعتمادی از دوره اول زندگی این پیامبر به دست نیامده است، جز این آیات از سوره ضحی: «ألم یجدک یتیمًا فآوی، ووجدک ضالًّا فهدی ووجدک عائلًا فأغنی فأما الیتیم فلاتقهر وأما السائل فلاتنهر وأما بنعمة ربک فحدّث» (ضحی/۱۱-۶) (فلاح، بی‌تا: ۴۳).

۳-۳. کم‌رنگ جلوه دادن مسجدالاقصی

عمر از بطریق خواست تا مکانی را به او نشان دهد تا مسجدی را در آنجا بنا کند و بطریق مکانی را نزدیک هیکل سلیمان که ارتش روم آن را ویران کرده بود، به او نشان داد؛ جایی پر از خاک و آوار بود و عمر با دستان خود خاک‌ها را کنار زد و مسلمانان نیز چنین کردند تا آنجا تمیز شد و سپس با استفاده از چوب مسجدی بنا کردند تا در آن نماز بخوانند؛ آن مکان همان‌جایی است که امروزه صخره شریف بر آن بنا شده و از آن زمان بیت‌المقدس نامیده شد (آبراهام، ۱۹۶۴: ۱۱۷).

در مورد مسجدالاقصی در جایی دیگر این مطلب آورده شده است:

عبدالملک به ساختن بناها توجه خاصی داشت؛ بنابراین در سال ۶۹۱ میلادی در جریان جنگ با ابن زبیر مسجدالاقصی و قبة الصخره را بنا کرد تا مردم را از رفتن به مراسم حج در مکه بازدارد (همان: ۱۴۱).

۳-۴. بی‌حرمتی نسبت به ذات خداوند متعال

در لابه‌لای قطعه‌های ادبی که برگرفته از تصور تلمودی و یهودی از خالق سبحان است، بی‌حرمتی‌هایی نسبت به ذات باری تعالی دیده می‌شود. در بخشی از این مطالب آمده است: «ما افسی قلب الله ألم یکن یستطیع أن یجعل الصخر أقلّ صلابة»^۱ (مزیفیت، ۱۹۶۷: ۲۵۰).

۳-۵. معرفی اسلام به عنوان عامل عقب‌ماندگی

در بخشی از کتاب جغرافیای سال ششم این‌گونه آمده است:

چهار نوع محصول کشاورزی از قدیم در سرزمین ما به عمل می‌آمد: گندم، جو، زیتون، و انگور. کشاورز غیر از این محصولات چیز دیگری نمی‌خورد و امروزه غذای اصلی فقرا نیز در بسیاری از کشورهای سواحل مدیترانه به شمار می‌آیند؛ به جز کشاورز مسلمان که به قطعه نانی آغشته با روغن اکتفا می‌کند (بابوریش، ۱۹۶۵: ۶۲).

در مورد کشور ترکیه و اقدامات آتاتورک می‌گوید:

او حکومت ترکیه را جمهوری اعلام کرد، حروف عربی را حذف و حروف لاتینی را رسمی کرد، حجاب زنان را منع کرد و مردان را از استفاده طربوش (نوعی کلاه) منع کرد و خواست که اتراک کاملاً شبیه اروپایی‌ها شوند و روز یکشنبه را تعطیل رسمی اعلام کرد و به این ترتیب ترکیه در دوره اخیر به‌طور چشمگیری پیشرفت و ترقی نمود (همان: ۱۷۴).

البته در دوره معاصر نیز مشابه چنین اظهاراتی از جانب صهیونیست‌ها و حامیان‌شان شنیده می‌شود با این تفاوت که امروزه به‌صراحت نیت خود را از این اقدامات اعلام می‌کنند. ریچارد آرمیتاژ نماینده جورج بوش و هماهنگ‌کننده امور خاورمیانه در ۲۹ ژوئیه سال ۱۹۹۲ در یک

۱. خداوند چه قسی‌القلب است! آیا نمی‌توانست صخره را سست‌تر از این خلق کند؟

فراهمایی (کنفرانس) مطبوعاتی در فلسطین اشغالی با اشاره به اهداف همکاری‌های میان ترکیه و اسرائیل گفت:

اصلی که ایالات متحده در آسیای مرکزی در پی تحقق آن است، ممانعت از بنیادگرایی اسلامی به رهبری ایران است. همچنین ایالات متحده می‌خواهد به ملت‌های منطقه بقبولاند که اسرائیل با تجربیات خود می‌تواند به کشورهای کم‌آب برای بهبود طرح‌های کشاورزی کمک کند. افزون بر این ترکیه به عنوان کشوری مسلمان و لائیک، مناسب‌ترین الگو برای مقابله با نفوذ ایران است و آنکارا می‌تواند به ملت‌های آسیای مرکزی نشان دهد که دموکراسی و اسلام با یکدیگر مغایرت ندارند. تحول این ملت‌ها در چهارچوب اندیشه‌های لائیکسی برای منافع ایالات متحده و اسرائیل بسیار مهم است (رضوی، ۱۳۷۹: ۱۳۴-۱۳۳). البته نباید از این اصل غافل ماند که حرکت معاصر اسلامی در سراسر جهان ثابت کرده‌است که برای رسیدن به فلسطین یک راه بیشتر وجود ندارد و آن هم اسلام فکری، اعتقادی و جنبشی و جهادی است (ابو عمر، ۱۳۷۳: ۵۹).

۴. تحریف حقایق تاریخی، عقیدتی و جغرافیایی

۴-۱. حقایق دینی و عقیدتی

اسرائیل ابتدا به مدت ۱۶ سال تدریس تعالیم دینی اسلامی را ممنوع اعلام کرد؛ سپس در پی فشارها و شرایط استراتژیکی موجود، اجازه داد یک دوره کتاب‌های دینی اسلامی در سطح بسیار ساده و ابتدایی و توسط سه تن از اساتید فلسطینی و تحت نظر اداره معارف اسرائیل و به سلیقه و دلخواه آنان تألیف شود. به طور خلاصه آنچه در این سلسله از کتاب‌ها مشهود است و به کرات دیده می‌شود، عبارت است از:

۱. معبودهای عرب‌ها در دوره جاهلی؛

۲. شکل‌گیری دین اسلام و خلاصه‌ای در مورد وحدانیت خداوند به شیوه‌ای سطحی؛

۳. عبادت‌ها به شکل ساده و مختصر؛

۴. خلاصه‌ای از سیره نبوی به‌طور ساده و سطحی؛

۵. آداب طعام و معاشرت و احادیثی در مورد حقوق همسایه و مهربان بودن با حیوانات و والدین؛

۶. آیات قرآنی که در مورد بنی‌اسرائیل و فضیلت آنان و پیامبرانشان نازل شده‌اند.

در مورد تاریخ اسلام و عرب بیش از هر چیز به زندگی عرب جاهلی و آداب و عقاید آنان می‌پردازد؛ به طوری که از حجم ۱۵۰ صفحه‌ای یک کتاب، ۷۱ صفحه را به دوره جاهلی و بدوی بودن آنان، جنگ‌ها، کشته‌شدگان آنها و جنگ‌های عشیره‌ای اختصاص داده‌است.

۲-۴. حقایق تاریخی و جغرافیایی

علم تاریخ برای آشنایی ملت‌ها با تاریخ خود و دیگران و استفاده از تجارب گذشتگان است، اما در مدارس اسرائیل مباحث تاریخی و مطالعه هر گونه مبحث تاریخی از جمله تاریخ یهود، عرب، ایران، روم و جهان فقط برای منافع سیاسی اسرائیل و صهیونیست تدریس می‌شود (دراوشه، ۲۰۱۲: ۱۸۲). مباحث تاریخی مرتبط با مقاومت فلسطین و برملا شدن حقایق و ماهیت واقعی اسرائیل حذف شده و در مقابل مباحث مرتبط با یهودیت، تاریخ یهود، تورات، هولوکاست و... به شکل عمیق و جدی به دانش‌آموزان عرب آموزش داده می‌شود. در متون تاریخی برای سرزمین فلسطین از دو عبارت «ارض اسرائیل» و «صهیون» استفاده می‌شود و در کتاب «تاریخ معاصر خاورمیانه» درس مربوط به جامعه عربی و فلسطین، جزء دروس اختیاری قرار داده شده‌است (میعاری، ۲۰۱۴: ۶۲). در مباحث مربوط به جغرافیا سیاست انکار و قبول را در پیش گرفته‌اند؛ انکار قوم عرب و ساکنان اصلی سرزمین فلسطین و قبول‌اندن و اثبات قومی مهاجر به عنوان ساکنان اصلی فلسطین. تغییر اسامی شهرها، روستاها، رودخانه‌ها و سایر اماکن از دیگر سیاست‌های صهیونیست‌هاست؛ آنان در متون جغرافیا به جای کلمه عربی «مرج ابن عامر» از کلمه عبری «عیمک یزراعیل» و به جای «بریه الخلیل» از کلمه عبری «صحراء یهودا» استفاده می‌کنند و جبال قدس را «جبال یهودا» می‌نامند (السمان، ۲۰۱۲: ۱۶).

۳-۴. تعلیمات اجتماعی

در زمینه تعلیمات اجتماعی بر تقویت وابستگی به جامعه اسرائیل، آشنایی با دموکراسی، نظام حکومتی اسرائیل، عادی جلوه دادن کوچ یهودیان به اسرائیل در راستای برنامه‌های تربیت اجتماعی و مدنی جامعه اسرائیل تأکید دارند. به عنوان مثال در کتاب تعلیمات اجتماعی عنوان درس «حب البلاد المشتركة لكل مواطنیها» را تغییر داده و به عبارت «حب البلاد» اکتفا کرده‌اند، با این نیت که دانش‌آموز فلسطینی از یک طرف خود را هم‌وطن اسرائیلی حساب نکند و از طرف دیگر به کشور اسرائیل عشق بورزد (میعاری، ۲۰۱۴: ۴۱).

همچنین از این کتاب قصیده‌های «کفانی هذا الصمت المکابر» و «انتظار علی الجسر» و رمان «رحلة جبلية رحلة صعبة» از فدوی طوقان و رمان «رجال فی الشمس» از غسان کفانی که هر دو از طرفداران مقاومت فلسطین هستند، حذف شده است (همان: ۹۱).

به عنوان نمونه چند مورد از حذفیات هدفمند در یکی از کتب درسی جدید اشاره می‌گردد: در کتاب **العلوم اللغویة** سرود ملی فلسطین از صفحه ۵۸ آن حذف شده است. در صفحه ۱۷ همان کتاب تصویر سرباز فلسطینی و پرچم فلسطین در دست دو کودک حذف شده است و در صفحه ۶۹ در تمرین درست و نادرست را مشخص کنید، عبارت‌های «سلب الأوطان»، «المقاتل الشجاع» و «وحدة الصف فی القتال» حذف شده‌اند.

الف) سلب الأوطان و الاعتداء علی حقوق الآخرين امر مشروع. ب) المقاتل الشجاع يؤثر الموت علی حياة الذل و الخضوع. ج) وحدة الصف فی القتال سبب من اسباب النصر (السمان، ۲۰۱۲: ۱۸).

۵. یهودیان در کتب درسی

۵-۱. معرفی یهودیان به عنوان ولی نعمتان

با نگاهی اجمالی به کتاب‌های درسی دانش‌آموزان در سرزمین‌های اشغالی، با موضوعات تاریخ، جغرافیا، علوم اجتماعی، ادبیات و... دانش‌آموز فلسطینی به طور ناخواسته و ضمنی به این نتیجه می‌رسد که یهودیان از همان ابتدا تا به امروز حامیان و ولی نعمتان تمدن اسلامی و

امت اسلامی بوده‌اند؛ در بخشی از کتاب تاریخ سال پنجم ابتدایی این‌گونه آمده‌است:

یهودیان شبه‌جزیره همانند اعراب، بادیه‌نشین و کوچ‌رو نبودند؛ بلکه آنان شهرنشین بودند و به تجارت، صنعت و زراعت مشغول بودند و کاروان‌های تجاری آنان بین یمن در جنوب و سوریه در شمال، در حال تردد بودند و مزارع و باغ‌هایشان در حاصلخیزی و کیفیت محصول زیانزد بود.

بعد از بحث مفصل درباره قلعه‌ها و کارگاه‌ها و صنایع یهودیان و سیطره آنان بر حیات فرهنگی دیگران، این فصل را با این سؤالات هدف‌دار به پایان می‌رساند:

(۱) یهودیان قبل از اسلام چه مشاغلی داشتند؟ (۲) رابطه اعراب و یهودیان چگونه بود؟

(۳) چرا سموال شاعر یهودی در میان اعراب مشهور گشت؟

در فصل دیگری به معرفی بزرگان یهودی در همه رشته‌های علمی می‌پردازد؛ در زمینه طب، ماسرجویه یهودی - ایرانی و حسدای بن شبروط، در فلسفه، شلومو بن جیرویل و موسی بن میمون، در سیاست، شمئیل هنجید و یعقوب بن کلس و در زراعت، زن یهودی که اولین بار درخت انگور را به طائف برد. آنان هرگز به این مطلب اشاره نمی‌کنند که پس از استقرار اسلام، یهودیان از همان سده‌های نخستین هجری با برخورداری از امنیت و رفاه در مناطق گوناگون مشغول به فعالیت‌های علمی شدند (هوشنگی، ۱۳۹۳: ۷۸). در موضوعات جغرافیایی و تاریخی، فلسطین را سرزمین اسرائیل می‌نامند و به دانش‌آموز چنین القا می‌کنند که این سرزمین خرابه‌ای بیش نبوده‌است که اقلیتی یهودی و اقلیتی عرب با هم در آن زندگی می‌کرده‌اند تا اینکه مهاجران یهودی آمدند و شهرک‌سازی‌ها شروع شد و اداره جدید این سرزمین، طرح‌های متنوعی در زمینه‌های برق، آب، کشاورزی نوین، مؤسسات آموزشی و پزشکی به اجرا درآورد. در انتهای این فصل به آمار و ارقام اقتصادی اسرائیل می‌پردازد و چندین سؤال جهت‌دار دیگر مطرح می‌کند:

(۱) امروزه روستاهای کوچک و بزرگ عرب چگونه اداره می‌شوند؟ (۲) اخیراً چه تغییر و

تحولی در شیوهٔ زراعت عرب‌ها صورت گرفته‌است؟ (۳) چرا محصولات یهودی‌ها نسبت به محصولات عرب‌ها، از کیفیت بهتری برخوردار است؟ (الزعبی، ۱۹۶۴: ۱۷۵-۱۷۳).

در کتاب دیگری که برای مطالعهٔ دانش‌آموزان در نظر گرفته شده‌است، مکالمه‌ای بین چند دانش‌آموز دربارهٔ عید استقلال یا همان روز نکبت از نگاه مسلمانان ترتیب داده شده که کاملاً مغرضانه و هدف‌دار طراحی شده‌است. بخشی از این مکالمه بدین ترتیب است:

امیر: ای شریف چرا امروز مدرسه ما تعطیل است؟

شریف: چون امروز روز استقلال دولت اسرائیل است.

دنیا: دولت، شهرها و روستاهای عربی را آباد کرده‌است.

اخلاص: به همین دلیل مدارس و معازنه‌ها نورافشانی و آذین‌بندی شده‌اند؟

خلیل: آری. وزارت معارف در هر جایی مدرسه‌ایی زیبا تأسیس کرده‌است.

رأفت: کارگران عرب در اتحادیهٔ عمومی کارگران اسرائیلی به نام هستدروت به عنوان کارمند مشغول به کار شده‌اند.

احمد: حکومت در روستاها برای آب شرب و کشاورزی لوله‌کشی کرده و خدمات برق و تلفن ارائه کرده‌است.

عیسی: راه‌ها را نیز زیرسازی و آسفالت کرده‌است.

در آخر همهٔ این دانش‌آموزان با هم می‌گویند:

پس بیاید با هم سرود عید استقلال را بخوانیم.

البته طبق قوانین آموزشی، نشر و آموزش هرگونه مطلب در مورد تبلیغ روز استقلال اسرائیل به عنوان روز نکبت یا روز سیاه ممنوع شده‌است (زهر، ۲۰۱۰: ۱).

۲-۵. اغفال نسبت به تجاوز صهیونیست‌ها

در این سیستم آموزشی به دانش‌آموز القا می‌شود که فلسطین قبل از تجاوز صهیونیست‌ها خالی از سکنه بوده و فقط گروهی از یهودیان به همراه اقلیتی عرب در آن ساکن بوده‌اند که با فقر و بیماری و جهل، دست‌وپنجه نرم می‌کردند. در این کتاب‌ها کوچ‌دادن یهودیان به سرزمین فلسطین را سفر و هجرتی معرفی می‌کنند که شایستهٔ ارج نهادن و تقدیر است، چون آنان به عنوان ناجی برای نجات مشرقی‌ها از هلاکت و جهل و عقب‌ماندگی آمدند. البته هیچ اشاره‌ای

به مقاومت و مبارزهٔ عرب‌ها در برابر این مهاجرت نشده‌است؛ بی‌شبهه مبارزه مردم عرب علیه اسرائیل و حامیان جهانی آن یعنی امپریالیست‌ها، پیوندی ناگسستنی با مبارزهٔ همگانی مردم کشورهای محروم علیه امپریالیسم بین‌المللی است. اما چگونه است که این مبارزه تقریباً در تمامی ابعاد و جوانب و گوشه‌هایش به سود خلق‌های مردم به پیش می‌رود و تنها در این گوشه است که باید مرتباً شاهد ناکامی کشورهای عرب بود؟ آیا حساب این ناکامی‌ها را به پای مردم عرب بگذاریم؟ در این مدت، با اجرای نمایشی ریاکارانه از پیوستگی دولت‌های عربی و مردم عرب، این دولت‌ها موفق بوده‌اند به حیات خود دوام بخشند و در برابر هر نهضت و جنبش اصیل بایستند و آن را سرکوب کنند و امکان هرگونه تشکل و تحزب اصیل توده‌های خودی را سد کنند (پورقمی، ۱۳۵۷: ۲۱۹-۲۱۸).

در بخشی از کتاب جغرافیای اسرائیل آمده‌است: ظلم و ستمی که هرازگاهی در جاهای مختلف در حق یهودیان می‌شد، پایبندی‌شان به عقیده و باورشان و رغبتشان برای بازگشت به صهیون، سرزمین موعود بیشتر می‌شد؛ مکانی که رومی‌ها در قرن اول میلادی، یهودیان را از آن بیرون رانده بودند. اما بازگشت دسته‌جمعی برای یهودیان مقدور نشد چون زندگی در آن منطقه مخصوصاً در نیمه دوم قرون وسطی، امنیت نداشت و اسباب معیشت فراهم نبود و علاوه بر آن راه‌های مواصلاتی به آنجا پرخطر بود و حتی یکی از پاپ‌های ایتالیا، صاحبان کشتی‌ها را از انتقال یهودیان به سرزمین اسرائیل منع کرده بود (بابوریش، ۱۹۶۳: ۱۰۶).

در اقدامی جالب و تأمل‌برانگیز در یکی از کتاب‌های درسی دانش‌آموزان فلسطینی، انگلیس به عنوان ظالم و اشغالگر در حق اسرائیل معرفی شده‌است! در این کتاب تاریخی چنین ادعا شده که بعد از پایان جنگ جهانی اول، سرزمین اسرائیل توسط ارتش انگلیس و به فرماندهی ژنرال آل‌نبی اشغال شد و سیاست اشغالگرانه بریتانیا در مخالفت و تضاد با صهیونیست‌ها بود و موانع زیادی بر سر راه پیشرفت آنان و شهرک‌های یهودی قرار می‌داد (ابومنه، بی‌تا: ۲۰۵). به این ترتیب سعی می‌کنند ردپای انگلیسی‌ها را در ایجاد رژیم صهیونیستی

و آوارگی فلسطینی‌ها در کتاب‌های تاریخی گم کنند. درحالی‌که انگلیسی‌ها از همان ابتدا به فکر چنین حکومت جعلی‌ای بودند و جرقه‌های آن را بعد از جنگ جهانی زدند؛ در سال ۱۹۱۴ وقتی انگلیس پی برد که دولت عثمانی قصد دارد به نفع آلمان وارد جنگ شود، با شریف حسین، امیر مکه، تماس گرفتند و با دلجویی از او، اعراب را به ایستادن در کنار خود ترغیب کردند. حتی به شریف حسین اظهار کردند که میل دارند از ارجاع خلافت جهان اسلام به عربی از سلاله نبوی (مقصود شریف حسین) حمایت کنند و در صورت قیام اعراب علیه ترکان عثمانی، حاضرند آنان را در رسیدن به استقلال یاری کنند. هدف انگلیس از تشویق اعراب به این قیام، این بود که با تضعیف نظامی ترک‌ها در منطقه از اتحاد مسلمانان جلوگیری کند (کیالی، ۱۳۷۶: ۸۸) و مقدمات تشکیل یک حکومت یهودی را فراهم کند تا به این ترتیب از آنان دلجویی کند؛ دلجویی به خاطر یهودی‌ستیزی‌ای که زمانی در اروپا اتفاق افتاده بود. اما در این میان سؤالی بی‌پاسخ اذهان ما را به خود مشغول می‌کند که چرا تاوان جنایات سامی‌ستیزان اروپایی را باید سامی‌نژادان فلسطینی پس بدهند (نیوزنر، ۱۳۸۹: ۱۴). در کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی به دانش‌آموز القا می‌شود که صهیونیست‌ها برای آبادانی زمین‌های متروکه و بایر و ایجاد مؤسسات علمی، صنعتی، اجتماعی و نظامی تلاش می‌کردند و در این راه با اشغالگران انگلیسی مقابله کردند تا اینکه در سال ۱۹۴۷ میلادی توانستند انگلیسی‌ها را شکست دهند و استقلال اسرائیل را محقق سازند (فلاح، ۱۹۶۵: ۲۲۸-۱۷۴). این در حالی است که انگلیس سعی داشت به طرق مختلف به صهیونیست‌ها خدمت کند؛ یکی از این موارد حمایت آنان از جلوه دادن قضیه فلسطین به عنوان یک قضیه صرفاً عربی است؛ برخی سران فلسطینی بدون هیچ آینده‌نگری‌ای بر این داعیه پافشاری داشتند که قضیه فلسطین را یک قضیه عربی تلقی کنند و انگلیس از ایده عربی‌سازی موضوع فلسطین و ایجاد تشکلی از کشورهای عربی حمایت می‌کرد (ولایتی، ۱۳۷۶: ۱۴۷).

در این کتاب‌ها مقاومت و مبارزه ساکنان اصلی فلسطین در حاشیه قرار گرفته‌است و دانش‌آموز فلسطینی، درگیری‌های میان اعراب و صهیونیست‌ها و مقاومت فلسطینی‌ها در برابر اشغالگری را در حد نزاع میان اقلیت عرب و گروه یهودیان قلمداد می‌کند؛ یهودیانی که برای نجات اکثریت یهودی ساکن در اسرائیل از فقر و بیماری و جهل آمده بودند و این امر

به مذاق مالکان و رؤسای عشایر خوش نیامد و با آنان به مخالفت پرداختند و در نهایت میان خودشان جنگ‌های عشیره‌ای در گرفت. برای مثال، این بخش از مطالب ساختگی خود به رقابت بین دو خانواده نَشاشیبی و حسینی بر سر ریاست مجلس اعلا‌ی اسلامی اشاره و آن را صرفاً یک جنگ عشیره‌ای تبلیغ می‌کنند (الکیلانی، ۱۹۸۵: ۸۲).

۳-۵. توجیه سیاست‌های اسرائیل

در این سیستم آموزشی هدف مهم دیگری دنبال می‌شود و آن تلاش در جهت توجیه تجاوزات اسرائیلی و اغراض کینه‌توزانه آنان در پیشبرد برنامه‌هایشان، در ذهن دانش‌آموز نوپای فلسطینی است. در کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی همواره به جای کلمه فلسطین از سرزمین اسرائیل استفاده می‌شود؛ بر مناطق مختلف فلسطینی از جمله کوه‌ها، دشت‌ها و رودخانه‌ها اسم‌های جدید یهودی و عبری گذاشته‌اند و نقشه‌های قدیمی را جعل می‌کنند که در آنها برای سرزمین فلسطین و حتی لبنان و اردن در مجموع عبارت سرزمین اسرائیل به کار برده شده‌است. در بخشی از یک کتاب تاریخی آمده است که مسلمانان در زمان عمر وارد قدس شدند و با یهودیان به نیکی رفتار کردند و زمین‌هایشان را تصرف نکردند و آنها را از پرداخت مالیات معاف کردند. اما این در حالی است که همه منابع موثق تاریخی و محققان بر این مطلب اذعان دارند که در آن روزگار حتی یک یهودی هم در بیت‌المقدس ساکن نبود. در اغلب این کتاب‌ها حدود مرز مشخصی را برای به اصطلاح سرزمین اسرائیل ترسیم نمی‌کنند و درباره محدودۀ اسرائیل آمده‌است:

اسرائیل از یک طرف به دریا و از طرفی دیگر به صحرا می‌رسد (بابوریش، ۱۹۶۳: ۸).

در جای دیگری برای اصالت بخشیدن به یکی از شهرک‌های صهیونیست‌نشین به نام شهرک شقیلا این مطلب را آورده‌است:

این شهرک امروزه حییل لخیس یعنی منطقه لخیس نامیده می‌شود که بر روی تپه لخیس واقع

شده‌است و در آن آثار باستانی مربوط به پادشاهان اسرائیل به دست آمده‌است (همان: ۴۸).

۴-۵. تفرقه افکنی در برابر تجاوز صهیونیست‌ها

تفرقه و ایجاد فتنه در میان جبهه مقاومت، راز ادامه حیات رژیم اشغالگر قدس است و آنان با علم به این موضوع سعی دارند این تفرقه و نفاق را به صورت ریشه‌ای و عمیق در پیکره مقاومت اسلامی تزریق کنند؛ بنابراین طرح‌های شوم خود را از مدارس و در داخل اراضی اشغالی آغاز کرده‌اند و هر موضوع کوچکی را به گونه‌ای در کتاب‌های درسی تشریح کرده‌اند که جنبه اختلاف‌های نژادی، زبانی، مذهبی و سیاسی را در میان امت اسلامی پررنگ‌تر نمایان شود. در کتاب جغرافیای سال پنجم مطلبی با این عنوان آمده است: «ساکنان خاورمیانه براساس دینشان». هدف از این عنوان چیزی جز ایجاد فاصله و تفرقه میان اعراب مسلمان و سایر ادیان نیست. در زیر این عنوان و در بحث مربوط به مسلمانان، آنان را به شیعه و سنی (سنی را به مذاهب اربعه و شیعه را به گروه‌هایی مخالف) تقسیم می‌کند. در ادامه به علویان و دروزی‌ها به عنوان گروه‌های متفاوت و ستم‌کشیده از دست مسلمانان اشاره می‌کند و در ذیل این مطالب از تصاویری استفاده می‌شود که نفرت، تفرقه و کینه را میان این گروه‌ها تشدید کند.

وقتی نویسنده کتاب در مورد لبنان بحث می‌کند، به طور غیرمستقیم و با تعریف و تمجید از مسیحیان و تحقیر مسلمانان، به ایجاد تفرقه و دودستگی میان مسلمانان و مسیحیان دامن می‌زند. از رونق زراعی و تجاری در لبنان سخن می‌گوید و در ادامه به علت این رونق و توسعه می‌پردازد و می‌نویسد این پیشرفت بدین علت است که اکثر ساکنان لبنان مسیحی‌اند (همان: ۱۳۸). در بحث کشور مغرب، به اختلاف میان اعراب و بربرها دامن می‌زند و می‌گوید:

عرب‌ها در روستاها و شهرها زندگی می‌کنند؛ آنان طبقه فرهنگی و فرهیخته جامعه مغرب را تشکیل می‌دهند؛ چون اغلب معلمان، کارمندان، روزنامه‌نگاران و صاحبان مشاغل آزاد، عربند (همان: ۱۸۲).

وقتی در مورد مسلمانان می‌نویسد در ابتدای امر به دودستگی آنان به شیعه و سنی و به نوعی ایجاد تعصب در ذهن دانش‌آموز فلسطینی می‌پردازد و اسلام را به سه دسته: اسلام سنی، اسلام شیعی و اسلام خارجی تقسیم می‌کند و برای هر یک از انواع آن عقایدی را ذکر می‌کند که با عقاید سایر اسلام‌ها در تضاد است؛ برای مثال می‌نویسد:

جهاد از عقاید ساختگی اسلام خارجی است و ولایت از عقاید ساختگی اسلام شیعی

است (همان: ۹۸).

در ادامه یک تقسیم‌بندی دیگر برای مسلمانان ارائه می‌کند و آن بر پایه نژاد استوار است و می‌گوید که آنان به عرب و جرکس تقسیم می‌شوند و خود آنها را یک بار به کشاورزان و بادیه‌نشینان و یک بار بر اساس قبیله و عشیره تقسیم می‌کند. آنان در موارد متعددی موفق به این فتنه‌انگیزی شده‌اند؛ سال‌های دهه هشتاد شاهد چندین درگیری میان اسلام‌گراها و دیگر نیروهای سیاسی ملی‌گرای فلسطینی بود. درگیری‌های خشونت‌آمیز در دانشگاه‌ها و سایر هیئت‌های سیاسی ملی‌گرا رخ داد و در درگیری شدید میان دانشجویان طرفدار گرایش اسلامی و جریان غیرمذهبی و چپ‌گرا، یکی از استادان مسلمان دانشگاه غزه کشته شد (خسروشاهی، ۱۳۷۰: ۱۴۶).

درباره دروزی‌ها می‌گوید که آنها ابتدا از سوریه و لبنان به سبب ظلم و ستمی که در حقشان می‌شود، به سرزمین اسرائیل آمدند. برخی از عناوین مطالب و متن‌های ادبی که انتخاب شده‌اند، به این ترتیب هستند که همگی به‌نوعی تشدیدکننده گرایش‌ها و اختلافاتند: «دروزی‌ها در اسرائیل»، «سیره شعیب نبی»، «بهایبی‌ها در اسرائیل»، «جرکس‌ها در اسرائیل»، «قیام مسیح»، «اعیاد اسلام» و «عید پوریم» یا همان عید نجات یهودیان ایران (مزیفیث، ۱۹۶۷: ۳۲۶-۲۸۳).

در یکی از کتاب‌های تاریخی، مبحثی با عنوان «قیام دروزی‌ها در دوره محمدعلی» می‌آورد و به شیوه‌ای نژادپرستانه و تفرقه‌برانگیز به تحلیل آن می‌پردازد که درنهایت پیروزی در این قیام از آن دروزی‌ها می‌شود. اما می‌دانیم که این قیامی که به آن اشاره شد، قیام عمومی اهالی شام علیه ابراهیم پسر محمدعلی بود که در اداره آنجا به‌خوبی عمل نمی‌کرد (فلاح، ۱۹۶۵: ۵۲-۵۱). در متنی تأمل‌برانگیز در مورد لبنان چنین می‌نویسد:

اما لبنان، برخی از ساکنان آن مسلمان هستند و خواهان انضمام لبنان به دولت سوریه‌اند؛ درحالی‌که مسیحیان علاقه‌مندند که حکومت مستقل لبنان را تشکیل دهند و روابط بین این دو گروه بسیار متشنج است (همان: ۱۰۹). در نمونه‌ای دیگر می‌گوید: در

تشرین الاول سال ۱۹۳۳ میلادی، ارتش عراق به رهبری عناصر تندروی خود، کشتار گسترده‌ای در میان طوایف مسیحی نسطوری مرتکب شدند که برخی بر این اعتقادند که اگر ملک فیصل در آن زمان برای ملداوا به اروپا نمی‌رفت، آن جنایت اتفاق نمی‌افتاد (همان: ۱۰۶).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد خود اسرائیل از یک سو با اختلافات بین سکولارها و مذهبی‌های خود و از سوی دیگر اختلافات درون‌مذهبی یهودی مواجه است اما امروزه یکی از عوامل وحدت و انسجام درونی اسرائیل، وجود دشمنی مشترک به نام اعراب بوده است (زیدآبادی، ۱۳۷۳: ۱۳۸۱). اما در این کتاب‌ها هرگز به اختلافات داخلی رژیم صهیونیستی و پایه‌های سست و آسیب‌پذیر آن اشاره نشده است.

البته ناگفته نماند که صهیونیست‌ها از این شیوه نفوذ خود یعنی نفوذ نرم از طریق سیستم آموزشی، فقط در داخل اراضی اشغالی استفاده نمی‌کنند و این شیوه جدیدی نیست؛ بلکه آنان از همان آغاز جلب و جذب یهودیان به اسرائیل، این شگرد نفوذ خود را پیگیری می‌کردند؛ از جمله اعزام بیش از ۲۰۰ هیئت آموزشی و علمی اسرائیلی به کشورهای آفریقایی برای آماده‌سازی آنان برای کوچ‌دادن به سرزمین‌های اشغالی بود (الحسینی، ۱۹۶۴: ۱۷۲).

نتیجه‌گیری

□ عوام‌فریبی و تشویش اذهان دانش‌آموزان فلسطینی در قالب برنامه‌ها و سیاست‌های آموزشی جزء ترفندهای نرم و غیرفیزیکی صهیونیست‌هاست تا دانش‌آموزان علاوه بر فاصله طبیعی زمانی‌ای که با وقایع سرزمین خود دارند، از لحاظ ذهنی نیز از این مسائل فاصله بگیرند.

□ واگذاری امور فیزیکی به مقامات محلی فلسطینی و در دست گرفتن تمام امور و مسائل فکری و آموزشی توسط صهیونیست‌ها تلاش برای استحاله فکری نسل نو در فلسطین اشغالی صورت می‌گیرد.

□ در دورانی که جهان اسلام با چالش‌های بزرگی روبه‌روست، شاید به‌ظاهر، افتادن یک کلمه از یک آیه قرآن و یا اضافه شدن چند کلمه به آن و گزینش وقایع تاریخی و تحلیل

جهت‌دار آنها، چندان مهم و قابل توجه به نظر نرسد اما تصویر پاره‌پاره‌ای که از لابه‌لای این کتاب‌ها، از اسلام برای کودکان ارائه می‌شود، ماندگار و تأثیرگذار خواهد بود.

□ در کتب تاریخی ضمن ارائه اختلافات و دشمنی ساختگی میان یهودی‌ها و دولت انگلیس، سعی دارند علاوه بر تطهیر چهره استعمارگر و فتنه‌گر بزرگ، خود را از اتهام دست‌به‌یک‌ی کردن با انگلیس جهت تشکیل یک حکومت برای ملتی بی‌سرزمین مبرا کنند.

□ استفاده از مؤلفان عرب در کنار مؤلفان صهیونیست برای تدوین کتب درسی دانش‌آموزان فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی و یا استفاده از کتب درسی مدارس کشور اردن با اندکی تغییر و تحریف در ساختار متون ادبی و تاریخی، به‌نوعی خواننده عرب را راضی نگه می‌دارد؛ اما قطعاً مؤلف عربی که به استخدام وزارت معارف رژیم صهیونیستی درآمده باشد و در مقدمه کتاب درسی‌ای که تألیف می‌کند، مراتب قدردانی و سپاس خود را از مسئولان و بازرسان وزارت مذکور اعلام نماید، نمی‌تواند به دور از سوءظن مخاطبی باشد که نسبت به ماهیت این رژیم آشنا و آگاه است.

□ خلق فضای بدبینی و تفرقه و ناامیدی در فضای مدرسه و حذف تدریجی عبارت‌ها و کلیدواژه‌های مقاومت فلسطین از جمله ایثار، شهادت، انتفاضه و جهاد هدف اصلی صهیونیست‌ها در بهره‌گیری از این سیاست است و بیگانه شدن فرزندان مقاومت با این مفاهیم می‌تواند بین آنان و پدران جهادگروشان یک فاصله فکری ایجاد کند.

کتابنامه

الف) عربی

- ابراهام، هیله و عبدالکریم الظاهر (۱۹۶۴م)، **التاریخ للصفوف السادسة**، تل‌آویو: شركة طبرسکی للنشر.
ابومساعد، أسما (۲۰۱۱م)، **صورة العرب و المسلمین فی المنهاج الاسرائیلی**، غزة: الجامعة الاسلامیة.
ابومنّة، بطرس (بی‌تا)، **التاریخ للصفوف السابعة**، تل‌آویو: شركة طبرسکی للنشر.

بابوریش، ی. (۱۹۶۳م)، اسرائیل معالم البلاد و جغرافیته، مترجمین: کدعون کولانی، یهوشوع جیحیک، تل آویو: دار نشر الکتب.

بابوریش، ی. (۱۹۶۵م)، جغرافیه للصف السادس، تعریب: الخالد و داود سحیب، ط ۲، تل آویو: دار النشر العربی.

بابوریش، ی. (۱۹۶۷م)، جغرافیه للصف الخامس، تعریب: الیاس شوفانی، تل آویو: دار النشر العربی.

الحسینی، خلف محمد (۱۹۶۴م)، اليهودیه بین المسیحیه والاسلام، قاهره: المؤسسة المصریه العامه.

دانیال، الیاس (بی تا)، تاریخ العرب والمدنیة الاسلامیه، القسم الاول، ناصره: طباعة فؤاد دانیال.

الزعبی، رائف احمد (۱۹۶۴م)، القراءة الحدیثه للصف الاول، الناصره: اسرائیل.

الزینبی، محمد عبدالرحیم (۲۰۱۱م)، الاستشراق اليهودی، منصوره: دار الیقین.

السمان، دیمه (۲۰۱۲م)، التعلیم فی القدس المحتله، تحد و صمود، فلسطین: وزارة التریبه و التعلیم العالی.

عبدالکریم، ابراهیم (۲۰۰۱م)، تهوید الارض واسماء المعالم الفلسطینیة، دمشق: اتحاد الکتاب العرب.

عبدالمقصود، محمد فوزی (۲۰۰۳م)، اتجاهات الفکر التربوی المعاصر فی اسرائیل، التحدیات و سبل المواجهه، قاهره: دار الثقافه.

فلاح، سلمان (۱۹۶۷م)، مدنیات اسرائیل للصفوف الرابعه حتی الثامنه، عکا: دارالخلیل.

فلاح، سلمان (۱۹۶۵م)، التاريخ للصفوف الثامنه، تل آویو: شركة طبرسکی للنشر.

فلاح، سلمان (بی تا)، التاريخ للصف العاشر، ج ۱، اورشلیم: وزارت معارف و فرهنگ،

قاسم، جمال شریف و فایزه عباس (بی تا)، النهج الحدیث فی القراءة العربیه، ج ۱ عکا: دارالخلیل

کیلائی، ماجد عرسان (۱۹۸۵م)، التعلیم ومستقبل المجتمعات الاسلامیه فی التخطيط الاسرائیلی، حده: الدار السعودیه.

مزیفیث، سامی (۱۹۶۷م)، سنابل من حقول الادب، ج ۱، للصف الخامس، تل آویو: دار النشر العربی.

مسعد، بولس حنا (۱۹۸۳م)، همجیه التعالیم الصهيونیة، بیروت: المكتب الاسلامی.

میعاری، محمود (۲۰۱۴م)، مناهج التعلیم العربی فی اسرائیل، ناصره: المجلس التربوی العربی.

ب)، فارسی

ابوعمر، زیاد (۱۳۷۳ش)، جنبش اسلامی در کرانه غربی و نوار غزه، مترجم: حسن خامه یار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

پور قمی، ناصر (۱۳۵۷ش)، اعراب و اسرائیل و آینده، تهران: جاویدان.

خسروشاهی، سید هادی (۱۳۷۰ش)، اسرائیل پایگاه امپریالیسم و حرکت های اسلامی در فلسطین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

رضوی، مهدی (۱۳۷۹ش)، نیرنگ سازی صهیونیسم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

زیدآبادی، احمد (۱۳۸۱ش)، دین و دولت در اسرائیل، تهران: روزنگار.

سلیم، محمد عبدالرئوف (۱۳۸۶ش)، آژانس یهود، مترجم: کاظم نراقی، تهران: اطلاعات.

صلواتی زاده، مسعود (۱۳۸۸ش)، نردبان سقوط، قم: سبط النبی (ص).

کیالی، عبدالوهاب (۱۳۷۶ش)، تاریخ نوین فلسطین، مترجم: محمد جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.

گارودی، رژه (۱۳۷۷ش)، تاریخ یک ارتداد، مترجم: مجید شریف، تهران: رسا.

نیوزنر، جیکوب (۱۳۸۹ش)، یهودیت، مترجم: مسعود ادیب، تهران: ادیان.

هوشنگی، لیلا (۱۳۹۳ش)، درباره یهود، تهران: کتاب مرجع.

ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۷۶ش)، ایران و مسئله فلسطین، تهران: دفتر فرهنگ اسلامی.

پ) مقالات

دراوشة، امین (۲۰۱۲م)، «انعکاس الایدئولوجیة الصهيونیة فی النظام التعليمی الاسرائیلی»، مجلة روى تربویة، الرقم ۳۸ و ۳۹، صص ۱۸۱-۱۸۷.

زهر، سوسن (۲۰۱۰م)، «حظر تعلیم النکبة فی جهاز التعلیم العربی فی اسرائیل»، مجلة عدالة، الرقم ۷۴.

عبدی، حسن (۱۳۸۷ش)، «اسلام‌ستیزی در کتب درسی چند کشور غیراسلامی»، مجله فرهنگ کوثر، شماره ۷۳.

تهويد الطلاب الفلسطينيين في النظام التعليمي لمدارس فلسطين المحتلة

حسن اسماعيل زاده^{۱*}، مجتبی رحماندوست^۲، مختار مجاهد^۳

۱. استاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة الشهيد مدني بأذربيجان

۲. استاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران، فرديس الفارابي

۳. خريج مرحلة الدكتوراه في فرع اللغة العربية وآدابها بجامعة آزاد اسلامي

الملخص

يسعى الكيان الصهيوني في تهويد العالم والآثار الفلسطينية والعربية، ودخول سياساتهم الناعمة في خلد الجيل الحديث لأجل تطبيع حضوره الآتي في أذهان شعوب المنطقة بما فيها ساكني فلسطين الأصليين، حيث إنه استخدم أظرف الخيل كالتسلل في النظام التعليمي وسياسة الترهيب والتخويف معا. فلذلك إنّ الصهاينة، عن طريق تزوير وتحويل الكتب المدرسية، تحذف إلى تأليف الكتب الحديثة وتعريف الحقائق وواقعيات الشعب الفلسطيني تعريفا معاكسا.

نحن في هذه الدراسة من خلال المراجعة إلى بعض الكتب المدرسية التاريخية، والجغرافية، والأدبية، والدينية، والمدنية في فلسطين المحتلة، ونقد وتحليل مضامين تلك الكتب كشفنا عن مؤامرات المصممين على هذه الكتب ومواليها. وتدل بعض النتائج لهذه الدراسة على أن الصهاينة تنوي على تهويد الأطفال الفلسطينيين وتغيير رؤيتهم بالنسبة إلى معالم فلسطين الإسلامية والعربية، كما تحذف إلى تطهير وجه الصهاينة وتنسيب تعاليم الدين الحنيف كسبب التخلف لدى الطلبة الفلسطينيين.

الكلمات الرئيسية: التهويد؛ النصوص التعليمية؛ فلسطين المحتلة؛ الكيان الصهيوني.